

راست‌های افراطی کشورهای متفاوت رفتارهای مشابه

مرادویسی

به احزاب چپ و راست و حذف کامل آنها از این جمله است.

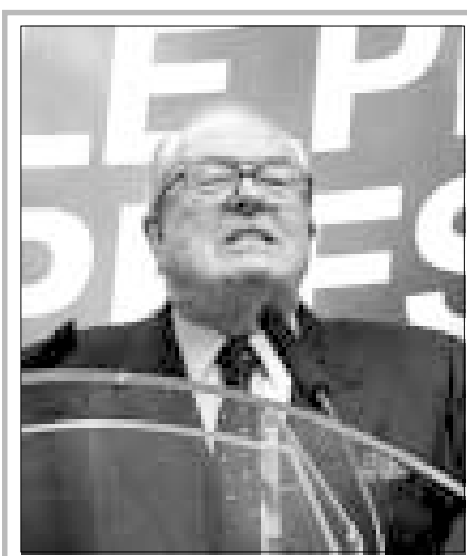
به همین دلیل در چارچوب این تز که رمز موفقیت راست افراطی «نقد افراطی وضع موجود و وعده دادن آینده موهوم اما باشکوه برای شهروندان « است، راست‌های افراطی در نهایت تمامی جریانات سیاسی معتدل یک جامعه اعم از چپ و راست را مورد حمله قرار می‌دهند و اصولاً موفقیت خود را در «سیاست‌های غیر اعتدالی» می‌بینند. در همین راستا، راست‌های افراطی برای به دست آوردن آرای رأی دهندگان، تر جیح می‌دهند هم‌زمان به جریانات سیاسی چپ و راست انتقاد کنند، اگرچه به طور طبیعی حملات آنها به جریانات راست شدت کمتری دارد.

طبق این اصل شعار انتخاباتی هیتلر در انتخابات ریاست جمهوری آلمان در سال ۱۹۳۲ حمله به دولت‌های لائایق و برشمردن ناتوانی دولتمردان در حل مسائل اقتصادی و استقرار امنیت در کشور بود. هیتلر این انتخابات را به مارشال هیندنبورگ جنگسالار بزرگ آلمانی باخت اما با به دست آوردن بیش از سیزده میلیون و چهارصد هزار رأی پیروزی سیاسی بزرگی به دست آورد. نازی‌ها چند ماه بعد در انتخابات پارلمانی، حزب اول آلمان شدند.لوپن نیز در انتخابات اخیر فرانسه با حمله به هر دو جناح راست و چپ، شیراک را به نازیده گرفتن اقتدار فرانسه در جامعه بین‌المللی متهم کرده و ژوسپن و چپ‌ها را به بی‌کفایتی در حفظ امنیت مردم و ناکامی در رفاه و آسایش آنها.

بزرگنمایی ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نیازهای مردم

ویژگی دیگر راست‌های افراطی که اغلب آنها فارغ از خصایص ملی و بومی در آن شریک هستند، تأکید آنها بر ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین نیاز توده‌های مردم است. به‌طور مصداقی اغلب راست‌های افراطی برای جلب آرای شهروندان بر «مسأله معیشت» و جلب حساسیت بیکاران و اقشار ضعیف و ـاغلب ـ دارای آگاهی پایین جامعه تأکید می‌ورزند. شعارهای تبلیغاتی ژیرینفسکی در مورد تأمین معیشت مردم روسیه و تأکیدات راست‌های فرانسه بر حل مسأله اشتغال و بیکاری از طریق اخراج مهاجران و ارائه شعار «۴ میلیون فرانسوی بیکار – ۴میلیون مهاجر، نشانگر این نوع بهره‌برداری ابزاری از انگیزه‌های اقتصادی اقشار عمدتاً پایین‌دستی و افرادی است که احساس می‌کنند مورد ظلم واقع شده‌اند.

لوپن با تکیه بر تاکتیک انتقاد از وضع موجود، نتایج دور اول انتخابات ریاست جمهوری این کشور را نشانه نارضایتی مردم از سیاستمداران این کشور می‌داند و می‌گوید: آرای مردم نشان می‌دهد



مقایسه شعارهای اوایل دهه ۹۰ ژیرینفسکی در روسیه با شعارهای امروز لوپن و راست‌های افراطی فرانسه نشان می‌دهد که آنها در اصل «بیگانه ستیزی» و «راه‌حل‌های ساده برای مشکلات بزرگ» اشتراکات بسیاری دارند

آنها از سیاست کسانی که در پنج تا شش سال گذشته کشور را اداره کرده‌اند ناراضی‌اند و مایلند مدیران کشور عوض شوند. البته واکنش عمومی اروپاییان به راست‌های افراطی در ۸۰ سال پیش و اکنون نیز، دارای شباهت‌های جالب توجهی است.

واکنش اروپا

واکنش نسبتاً یکپارچه امروز اروپا به تحرکات راست‌های افراطی در فرانسه، به نوعی یادآور واکنش اروپایی دهه ۱۹۳۰ به راست‌های افراطی اسپانیا به رهبری ژنرال فرانکو است. اکنون اگر راست‌های افراطی در اتریش و ایتالیا از ژان ماری لوپن و راست‌های افراطی فرانسه حمایت می‌کنند، در اواسط دهه ۳۰ قرن بیستم نیز حمایت‌های مشابهی از سوی راست‌های افراطی حاکم بر آلمان و ایتالیا در رژیم فرانکو به عمل می‌آمد. در جبهه مقابل نیز همانند امروز، بسیاری از احزاب و تشکل‌های اروپایی، از جبهه جمهوریخواهان اسپانیا حمایت کردند و حتی اعضای خود را برای دفاع از آن به اسپانیا اعزام کردند.

جالب‌آن‌که نگرانی امروز گرهارد شرودر و تونی بلر سران آلمان و انگلیس در مورد موفقیت راست‌های افراطی در فرانسه و حمایت متقابل سیلویو برلوسکونی نخست‌وزیر راستگرای ایتالیا از لوپن را می‌توان به نحوی تکرار تاریخ و افادور انتقادات لندن و پاریس از پیروزی‌های هیتلر و راست‌های افراطی آلمان در دهه ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم و حمایت مشابه موسولینی از روند تحولات آلمان دانست. در مجموع ،علی‌رغم تمامی این تاکتیک‌ها و اصول فکری و رفتاری مشابه می‌توان گفت دستاوردهای حاکمیت راست‌های افراطی یک اهرم و ابزار سیاسی برمی‌آید. تجربه ایتالیا و آلمان دهه ۲۰ قرن بیستم نشانگر آن است که در این دو کشور، جناح راست در ابتدا از قدرت گرفتن راست‌های افراطی استقبال می‌کرد.

باین وجود، تجربه نشان داده راست‌های افراطی اگر در جامعه‌ای فضای مطلوب را برای صاحب قدرت سیاسی احساس کنند، حملات خود را متوجه تمامی جریانات سیاسی خواهند نمود. فرانسه امروز و حملات لوپن به شیراک و ژوسپن و حملات نهایی هیتلر و موسولینی

آنجا که لوپن برای حل مشکلات اقتصادی بزرگ فرانسه، راه حل ساده «حذف مالیات‌ها به مدت ۵ سال» را ارائه می‌کند و هیچ گونه اشاره‌ای به جزئیات کارشناسی و ضمانت اجرا و عملی شدن آن نمی‌کند، انسان بی‌اختیار به یاد راه‌حل‌های ساده ژیرینفسکی برای حل مشکلات روسیه اوایل دهه ۹۰ می‌افتد.

ژیرینفسکی در اوایل دهه ۹۰ که اقتصاد روسیه بسیار آشفته بود و دولت حتی در رفع مایحتاج غذایی روزانه مردم مشکل بسیار داشت، یک ایده ساده و عامه فریب را مطرح کرد. وی در آن هنگام مدعی شد ظرف ۲۴ ساعت مشکل غذایی مردم روسیه را حل خواهد کرد و راه حل وی برای این مشکل آن بود که موشک‌های اتمی و قاره‌پیمای SS۲۴ روسیه را باید به سوی کشور ثروتمندی چون آلمان نشانه گرفت تا آنها مجبور شوند ظرف ۲۴ ساعت، مواد غذایی مورد نیاز روسیه را در اختیارش بگذارند.

بیگانه ستیزی

از سوی دیگر همانند اکثر راست‌های افراطی جهان، لوپن و راست‌های افراطی فرانسه نیز بیگانه ستیز و با شعار «فرانسه برای فرانسویان» نوعی ملی‌گرایی افراطی را تشویق می‌کنند که با شعارهای انتخاباتی هیتلر و ژیرینفسکی تفاوت چندانی ندارد.

در ادامه همین شباهت رفتاری، راست‌های افراطی برای تحریک توده‌های مایوس از وضع موجود، در صدد احیای نمادهای گذشته باشکوه و ایجاد نوعی احساس نوستالژی (نگاه توأم با غم و حسرت به گذشته) هستند. به عبارت دیگر همان گونه که ژان ماری لوپن امروز هواداران خود را به گردهمایی در پای مجسمه «ژندارک» به عنوان نماد ملی‌گرایی فرا می‌خواند، ژیرینفسکی روس‌ها را به احیای دوران تزاری باشکوه و عده می‌دهد و «الکساندر نوسکی» قهرمان افسانه‌ای روس‌ها را به یاد رأی دهندگان روس می‌اندازد، رفتار این دو با نمادسازی‌های هیتلر در مورد نظام‌های امپراتوری رایش‌های سه‌گانه، تأیید نوعی شباهت رفتاری بین راست‌های افراطی جهان صرف‌نظر از برخی تفاوت‌های ملی و بومی آنها است.

نقد افراطی وضع موجود

یکی دیگر از محورها و اصول رفتاری راست‌های افراطی، حملات شدید تبلیغاتی به وضع موجود (در دو سطح داخلی و خارجی) بدون ارائه یک نظام مطلوب جایگزین است.

هیتلر در ۱۴ اکتبر ۱۹۳۳ در یک نطق رادیویی پسر و صدا علیه «جامعه ملل» (سلف سازمان ملل) خروج آلمان را از جامعه ملل به عنوان نماد «نظم بین‌المللی وقت» اعلام کرد. هیتلر مدعی بود: «ما

کارگران مخالف، به آتش کشیدن روزنامه‌ها و انتشاراتی‌های مخالف می‌پرداختند. اوینفورم سیاه‌های موسولینی با سلاح سرد و بعدها با سلاح گرم و با کامیون به مراکز احزاب و اتحادیه‌های مخالف و روزنامه‌های آنها ریخته و ضمن مضروب و مجروح ساختن کسانی که در این مراکز اجتماع کرده بودند، اثاثیه آنها را به خیابان‌ها ریخته و آتش می‌زدند و پلیس و نیروهای انتظامی که خود مخالف گروه‌های مذکور بودند، در برابر این اعمال بیشتر نقش تماشاچی را بازی کرده و غالباً هنگامی وارد عمل می‌شدند که کار از کار گذشته و گروه‌های ضربت صحنه عملیات را ترک گفته بودند.

گروه‌های ضربت فاشیست سپس به ترور رهبران مخالف پرداختند و نه فقط مراکز احزاب و اتحادیه‌ها بلکه خانه‌های رهبران این احزاب و اتحادیه‌ها را هم مورد حمله قرار داده و آنها را ترور و یا به قتل می‌رساندند.

امروز نیز شعارها و رفتارهای راست‌گرایان افراطی اروپا همانند لوپن و هایدر، همان شعارها و رفتارهای هیتلر، فرانکو و موسولینی درباره ضرورت بیگانه ستیزی، مخالفت با نظام حاکم بر اروپا و حمله به نظم سیاسی موجود در کشورشان و ارائه ساده‌ترین راه حل‌ها برای مشکلات پیچیده است، با این تفاوت که امروز آنها بنا به مصالح و مقتضیات زمان به جای تکیه بر رفتارهای خشن و غیر دموکراتیک در صدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های دموکراسی علیه دموکراسی هستند.

بکارگیری دموکراسی علیه دموکراسی

در واقع یکی از اصول اساسی راست‌های افراطی در سراسر جهان به کارگیری اصول و ظرفیت‌های دموکراسی علیه دموکراسی است. راست‌های افراطی هنگامی که شرایط اقتضا کند، با مقید نشان دادن خود به الزامات دموکراسی در صدد به دست آوردن آراء بیکاران و ناراضیان جامعه با تأکید بر حل مشکلات معیشتی آنان برمی‌آیند؛ همانند رفتارهای هیتلر و موسولینی در دهه ۲۰ میلادی و رفتارهای ژیرینفسکی در دهه ۹۰.

از سوی دیگر راست‌های افراطی هیچ‌گاه برای خارج کردن رقبا از قدرت به انتخابات و شیوه‌های دموکراتیک اکتفا نمی‌کنند. آنها هنگامی که شرایط مناسب باشد با شیوه‌های دموکراتیک، هنگامی که بخشی از رأی مردم با آنان باشد و نهادهایی را در درون حاکمیت در دست داشته باشند با شیوه‌های شبه دموکراتیک و شبه قانونی و هنگامی که درجه بی‌اعتمادی آنها به اخذ رأی مردم به درجه و میزان بالایی برسد، از به کارگیری شیوه‌های غیر دموکراتیک و خشن ابایی ندارند. میزان گرایش راست افراطی به هر یک از این تاکتیک‌ها را شرایط خاص و بومی هر جامعه و فضای حاکم بر جامعه و نظام جهانی در هر دوره خاص تعیین می‌کند. به عنوان مثال از آنجا که جامعه امروز فرانسه و فضای حاکم بر اروپا در دهه آغازین قرن ۲۱، آماده پذیرش رفتارهای خشن و غیر دموکراتیک نیست، افرادی چون ژان ماری لوپن در فرانسه، هایدر در اتریش و راست‌های افراطی ایتالیا، با تاکتیک «راه حل‌های ساده برای مشکلات پیچیده» وارد میدان شده‌اند، اگرچه در جامعه‌ای نظیر روسیه، افراتیونی چون ژیرینفسکی و هوادارانش هنوز کاملاً از رفتارهای خشن و غیر دموکراتیک فاصله نگرفته‌اند.

جذب نیرو از قشر مایوس و اتمیزه جامعه

شباهت رفتاری دیگر در راست‌های افراطی دیروز و امروز جهان، پایگاه اجتماعی هواداران، اعضا و رأی دهندگان احتمالی به آنهاست. راست‌های افراطی اغلب هواداران، اعضا و کادرهای خود را از بین قشر مایوس جامعه، نظامیان سرخورده و بیکاران جذب می‌کنند. انتخابات اخیر فرانسه نشان داد کارگرانی که از سیاست‌های دولت چپگرای ژوسپن در منازعات کارفرمایی و کارگری ناامید شده‌اند، آراء خود را به نفع راست‌های افراطی به صندوق‌ها ریخته‌اند که با شعارهای ساده در صدد حل مشکلات بزرگ جامعه نظیر اشتغال و بیکاری هستند. در روسیه اوایل دهه ۹۰ نیز این تجربه به وقوع پیوست، در آن هنگام که روسیه سال‌های اولیه فروپاشی شوروی را پشت سر می‌گذاشت و از نظر اقتصادی اوضاع بسیار آشفته‌ای داشت، راست‌های افراطی نظیر ولادیمیر ژیرینفسکی که در چارچوب حزب «لیبرال دموکرات» جمع شده و ایده‌های ناسیونالیستی نیز داشتند، با تاکتیک «ارائه راه حل‌های ساده برای مشکلات بزرگ» وارد عرصه انتخابات شدند و بخش عمده‌ای از آرای رأی دهندگان روس را به خود اختصاص دادند. موفقیت جناح ژیرینفسکی در آن زمان با وجود شعارهای افراطی آنها، جامعه روسیه و جهان را شگفت زده کرد. اما بعدها که آرای شهروندان روس مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت، معلوم گردید که آرای راست‌های افراطی عمدتاً از مناطق کمتر توسعه یافته و از بین نظامیانی که از فروپاشی شوروی سرخورده بودند و یا کارگرانی که از کمونیست‌ها بریده بودند و به راست‌ها اطمینان نداشتند، حاصل شده بود.

راه‌حل‌های ساده برای مشکلات پیچیده

جالب آن که مقایسه شعارهای اوایل دهه ۹۰ ژیرینفسکی در روسیه با شعارهای امروز لوپن و راست‌های افراطی فرانسه نشان می‌دهد که آنها در اصل «بیگانه ستیزی» و «راه حل‌های ساده برای مشکلات بزرگ» اشتراکات بسیاری دارند.



در جهان و تاریخ معاصر بپردازد.

پیوند راست‌های افراطی، خشونت و خشونت طلبان

یکی از ویژگی‌های عمده راست‌های افراطی، وجود نوعی رابطه بین این گروه‌ها با دسته‌های اوباشگر و ارادل است. گاه این دسته‌های اوباشگری رابطه مستقیم با راست‌های افراطی دارند و گاه که فشارهای قانونی این رابطه را تهدید می‌کنند، سعی می‌شود نوعی پنهان‌گری بر این رابطه حاکم شود.

در آلمان، هیتلر افسر خشتی به نام سروان ارنست روهم را مأمور به کار گرفتن عده‌ای از نظامیان سابق و افراد شرور و گردن کلفت کرد تا گروه ضربت حزب نازی را که بعدها به واسطه اوینفورم قهوه‌ای رنگ خود به «پیراهن قهوه‌ای‌ها» معروف شدند، تشکیل دهد. این گروه در ابتدا به سلاح‌های سرد مجهز ولی بعدها به سلاح گرم نیز مجهز شدند.

در ایتالیا، موسولینی در سال ۱۹۱۹ گروه فاشیستی خود را به نام «فاسیو دی کومبا تیمنتو» یا گروه رزمنده تشکیل داد و از آنجا که اعضای این گروه پیراهن سیاه داشتند به گروه ضربت «پیراهن سیاه‌ها» مشهور بودند.

در واقع، یکی از شباهت‌های رفتار راست‌های افراطی در سراسر جهان، حملات فیزیکی آنها به احزاب، روزنامه‌ها، سندیکاها و تجمعات مخالفان است.

گروه‌های فاشیستی تحت هدایت موسولینی در دهه ۲۰ قرن بیستم بارها با زد و خوردهای خونین به اشغال کارخانه‌ها، حمله به

ژان ماری لوپن تازه‌ترین نماد راست‌های افراطی جهان است، افراتیونی که در قرن بیستم با سیاستمدارانی چون آدولف هیتلر در آلمان، بنیتو موسولینی در ایتالیا، ژنرال فرانکو در اسپانیا، هایدر در اتریش، ولادیمیر ژیرینفسکی در روسیه و اخیراً ژان ماری لوپن در فرانسه شناخته می‌شوند.

سیاستمداران مذکور اگرچه علی‌الظاهر به جوامعی متفاوت تعلق دارند اما از نظر خط مشی و اصول فکری و رفتاری بسیار شبیه به یکدیگر هستند و در عرصه عمل نیز چه در عرصه انتخابات و چه در سایر عرصه‌های سیاسی و اجتماعی رفتارهای مشابهی از خود نشان می‌دهند.

ارائه راه حل‌های ساده برای مشکلات پیچیده، بیگانه ستیزی، تأکید بر گذشته با شکوه و پرانگیزتن نوعی احساس نوستالژی و غم و حسرت نسبت به گذشته باشکوه، تلاش در جهت جذب توده‌های اتمیزه شده یا مایوس و سرخورده، بهره‌برداری ابزاری از مسأله معیشت، حمله به تجمعات، گروه‌ها، احزاب و روزنامه‌ها و تشکل‌های مخالف و رابطه نزدیک با گروه‌های خشونت طلب و اوباشگر و نفی وضع موجود برخی از این ویژگی‌های مشترک هستند که راست‌های افراطی را در سراسر جهان حتی در شرایطی که از همدیگر شناختی نداشته باشند، به یکدیگر نزدیک ساخته است. نوشتار ذیل به بهانه انتخابات اخیر ریاست جمهوری در فرانسه و موفقیت ژان ماری لوپن نامزد راست‌های افراطی در این انتخابات، تلاش نموده تا به بررسی اصول فکری و رفتاری راست‌های افراطی

راست‌های افراطی هنگامی که فضای جامعه آماده پذیرش حرکت‌های خشن و فیزیکی نیست سعی می‌کنند با پذیرش ظاهری الزامات دموکراسی از جمله انتخابات از ظرفیت هایدموکراسی علیه دموکراسی و مردم‌سالاری استفاده کنند اگرچه برخی از آنها همانند ژیرینفسکی حتی در پارلمان نیز حرکات خشونت طلبانه خود را ترک نمی‌کنند